

فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۹

صص ۵۷-۷۴

تساوی سن بلوغ کیفری میان دختر و پسر و چالش‌های مسئولیت کیفری اطفال با نگرشی بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی

سپیده سفیدی^{۱*}، دکتر مهدی جوهری^۲، دکتر سعید دهقان^۳

- ۱- دانشجوی کارشناسی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
- ۲- معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان البرز و استاد مدعو واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
- ۳- استاد مدعو واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

چکیده

حقوق موضوعه ایران با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در جرایم مستوجب تعزیر مطلقاً و در جرایم قصاص و حدود با تفسیری کودک‌مدار و منطبق بر موازین حقوق کیفری ویژه اطفال و نوجوانان و اسناد بین‌المللی مربوط به افراد مزبور مفهوم بلوغ کیفری و برابری آن را نسبت به دختران و پسران پذیرفته است.

حداقل سن شروع مسئولیت کیفری ۹ سال تمام خورشیدی است. کمتر از این سن قابلیت پاسخگویی به رفتار ناقض قوانین جزایی منتفی است؛ معیار بلوغ کیفری در کلیه جرایم تعزیری، قصاص و حدود، ۱۸ سال تمام خورشیدی است؛ مسئولیت کیفری پلکانی برای افراد ۹-۱۲ و ۱۵-۱۲ و ۱۸-۱۵ سالگی به نحو افتراقی با واکنش‌های متفاوت اجتماعی از قبیل، اقدامات اصلاحی، تربیتی، درمانی، آموزشی، حرفه آموزی، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، جزای نقدی، خدمات عام

* نویسنده مسئول sepidesefidi@gmail.com

المنفعة، حبس آخر هفته در کانون و الزام به اقامت در منزل در مدت معین برحسب شدت جرم مقرر شده است. طلّیعه پذیرش تفسیر کودک محور از ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی را می‌توان در رأی وحدت رویه ۷۳۷ مورخ ۹۳/۹/۱۱ ملاحظه کرد.

واژگان کلیدی: بلوغ کیفری، اطفال، مسئولیت کیفری، تعزیرات، حدود، قصاص و تعزیرات

مقدمه

حقوق کیفری ویژه اطفال یکی از شاخه‌های مهم حقوق فنی - تخصصی حقوق جزایی است؛ این حقوق کیفری دارای ابعاد ماهوی شامل شروع مسئولیت کیفری، بلوغ کیفری، اقدامات تأمینی - تربیتی، مجازات‌ها و جایگزین اجتماعی مجازات‌ها و آیین دادرسی متضمن نحوه کشف، تحقیقات مقدماتی، محاکمه و اجرای احکام راجع به افراد کمتر از ۱۸ سال است. هدف نهایی حقوق کیفری ویژه اطفال اصلاح، تربیت، بازسازی شخصیت و انعقاد مسئولیت اجتماعی در این افراد است. حقوق مزبور فاقد جنبه آزاردهندگی و تحقیرکنندگی است و واجد مفهوم کیفر به معنی اخص نیست.

اسناد بین‌المللی حقوق کودکان و نوجوانان به کشورهای جهان به ویژه اعضای ملحق به پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب ۱۹۸۶ میلادی توصیه اکید دارند که در تدوین و اجرای حقوق کیفری ویژه اطفال و نوجوانان تفسیر کودک مدارانه از مقررات و رویه‌های قضایی و اجرایی داشته باشند و در تمامی اقدامات منافع و مصالح عالی آنها را مورد توجه قرار دهند. زیرا کودکان و نوجوانان آینده سازان ترقی و تکامل همه جانبه توسعه کشور در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشند و بخشی از روند توسعه ملی را تشکیل می‌دهند و اگر در جریان رشد مرتکب خطا شوند با اعمال روش‌های تربیتی مناسب اصلاح می‌شوند.

از جمله مباحث بنیادین حقوق کیفری ویژه اطفال و نوجوانان تبیین شروع مسئولیت و بلوغ کیفری آن‌هاست. در این نکته که واکنش اجتماعی علیه افراد مرتکب نقض قوانین کیفری منوط به تحقق متوازن و همزمان بلوغ جنسی، عقلی، عاطفی و یا کمال عقل است؛ تردیدی در حقوق کیفری موضوعه کشورها نیست. اما در خصوص تعیین معیاری معین و ثابت برای تشخیص بلوغ مزبور؛ در غالب نظام‌های حقوقی به تبعیت از اسناد بین‌المللی حقوق کودک اماره رشد ۱۸ سالگی پذیرفته شده است.

۱. تساوی سن بلوغ کیفری میان دختر و پسر با نگرشی بر قانون مجازات اسلامی

مصوب ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی

در حقوق موضوعه کیفری پس از استقرار جمهوری اسلامی ایران؛ موضوع مفهوم بلوغ کیفری و برابری آن در دختران و پسران همواره مورد چالش و بحث و نقد حقوق‌دانان کیفری و رویه‌ی قضایی بوده است.

قوانین جزایی قبل از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به مفهوم بلوغ کیفری و برابری آن در دختران و پسران اذعان ندارد. اما قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در بخش عظیمی از جرایم یعنی جرایم مستوجب تعزیر؛ بلوغ کیفری بدون تبعیض را پذیرفته است.

پرسش این است که امکان اعمال بلوغ کیفری و معیار آن بدون تبعیض بین دختران و پسران در حدود و قصاص فراهم است؟ فرضیه نگارنده این است که با تفسیری کودک مدار از ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی؛ می‌توان شروع و بلوغ کیفری را بر معیار مطروحه آن؛ در حقوق ایران پذیرفته و اعمال کرد.

در این مقاله ضمن تبیین شروع و مفهوم بلوغ کیفری و همچنین چالش‌های مسئولیت کیفری اطفال اسناد بین‌المللی حقوق کودک، حقوق کیفری ایران را در دوره قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مورد واکاوی قرار داده و درصدد اثبات فرضیه‌های فوق‌الذکر خواهیم بود.

۱-۱. مفهوم بلوغ کیفری و عناصر آن در اسناد بین‌المللی حقوق کودک

قبل از تبیین مفهوم بلوغ کیفری، باید به مفهوم مسئولیت کیفری اشاره کرد. زیرا مسئولیت کیفری مقدمه بروز بلوغ کیفری است. مسئولیت کیفری به معنی قابلیت پاسخگویی فرد به عملکرد خود در رابطه با نقض قوانین کیفری است. مسئولیت اجتماعی اعم از مسئولیت کیفری است. زیرا مسئولیت اجتماعی قابلیت پاسخگویی فرد به عملکرد خود در رابطه با هنجارهای اجتماعی است. این هنجارها ممکن است دارای ضمانت اجرای کیفری باشد. آن دسته از هنجارهای اجتماعی دارای ضمانت اجرای کیفری است که نقض هنجار در قوانین کیفری جرم‌انگاری شده و برای آن مجازات مناسب تعیین شده باشد. به عنوان مثال صرف دروغ گفتن نقض هنجار اجتماعی است، اما چون فاقد ضمانت اجرای کیفری است، ارتکاب آن از ناحیه فرد، موجب تحقق مسئولیت کیفری نمی‌باشد. البته نقض هنجارهای

اجتماعی دارای سرزنش های اخلاقی و گاهی مجازات انتظامی است. نقض هنجار اجتماعی آن گاه دارای ضمانت اجرای انتظامی است که مقررات سازمان یا گروه خاص اجتماعی را موجب شده باشد. همان گونه که اشاره شد، در حقوق کیفری مسئولیت کیفری، مقدمه بلوغ کیفری است. برحسب عقاید دانشمندان علوم جنایی، (آشوری، ۱۳۸۰، ۷۱-۷۲) که تبلور آن در پیمان نامه حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ می توان یافت، افراد تا سن معینی که در نظام های حقوقی باید مشخص شود، مطلقاً باید فاقد مسئولیت کیفری باشند. یعنی این افراد تا رسیدن به حد سنی معین مزبور قابلیت پاسخگویی به رفتار ناقص قوانین کیفری خود را نداشته باشند. از سن مزبور تا تحقق بلوغ کیفری که معیار آن باید در نظام حقوقی مشخص شود، دارای نوعی مسئولیت کیفری پلکانی یا مرحله ای برحسب درجه درک خود از واقعیات اجتماعی می باشند. مسئولیت کیفری مزبور در همه افراد و بدون تبعیض جنسیتی به نحو پلکانی مقرر می شود و واکنش اجتماعی با ضمانت اجرای کیفری که اعم از مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی است، باید به گونه ای نسبت به عملکرد افراد نرسیده به بلوغ کیفری تعیین شود که فاقد اهمیت آزار دهندگی، تحقیرشوندگی و سرزنش دهندگی باشد. واکنش مزبور باید دارای ماهیتی قضازدایی، اصلاح دهندگی، آموزشی، درمانی، حرفه آموزش و ایجاد انعقاد مسئولیت اجتماعی از طریق بازپروری اجتماعی باشد. بدین ترتیب ماهیت واکنش اجتماعی علیه این افراد در صورت نقض قوانین کیفری با افراد بزرگسالی که دارای بلوغ کیفری می باشند، کاملاً متفاوت و یا افتراقی است. بلوغ کیفری که مرحله متعاقب مسئولیت کیفری فرد به شرح پیش گفته است، به معنی رسیدن فرد به مرحله ای از تکامل جنسی، عقلی و عاطفی است که امکان پاسخ گویی کامل و مناسب را در قبال عملکرد نقض قوانین کیفری دارد. از مرحله تکاملی مزبور در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تحت عنوان «کمال عقل» یاد شده است.

تحقق کمال عقل یا بلوغ کیفری منوط به وجود سه عنصر در فرد است که به نحو اختصار عبارتند از:

الف. بلوغ جنسی: در این مرحله فرد به حد نکاح یا توانایی بر عمل جنسی رسیده است. نشانه بارز این مرحله در پسران خروج منی و در دختران شروع دوره قاعدگی است.

ب. بلوغ عقلی: در این مرحله فرد پس از طی دو مرحله قبلی، در رفتار خود به گونه ای عمل می کند که احساسات و یا ذوقیات آنی و زودگذر بر عقل او غلبه ندارد و توانایی کنترل احساسات خلاف موازین عقلی را که تشخیص می دهد، دارد. اصولاً نواقص و معلولیت های جسمی، روانی و

اجتماعی که در همه افراد و جوامع به حد وفور یافت می‌شود، موجب عدم کنترل احساسات یا ذوقیات آنها در کشش به رفتار ناقض قوانین کیفری است.

در اسناد بین‌المللی حقوق کودکان، راجع به شروع مسئولیت و بلوغ کیفری به شرحی که توضیح داده شد، چند قاعده وجود دارد. دولت‌های عضو پیمان نامه حقوق کودک باید در قوانین داخلی خود این قواعد را که در راستای تلاش جامعه جهانی برای تأمین منافع عالیه کودکان و نوجوانان وضع شده است؛ در قوانین داخلی خود مقرر نمایند:

لحاظ حقوق و مفاهیم مندرج در پیمان‌نامه از جمله برابری بلوغ کیفری و نیز مقدمه آن یعنی تعیین سن شروع مسئولیت کیفری بدون تبعیض جنسیتی و سایر امتیازات دیگر از قبیل نژاد، رنگ، زبان و ... (ماده ۲ پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹).^۱

الف. تعیین حداقل سنی که پایین‌تر از آن نتوان افراد اعم از پسر یا دختر را دارای قابلیت نقض قوانین کیفری دانست. (بند الف ماده ۴۰ پیمان‌نامه)

ب. هر چند معیار بلوغ کیفری یعنی تحقق سه عنصر بلوغ جنسی، عقلی و عاطفی، از نظر بین‌المللی مشخص نیست، لیکن از نظر سنی باید به گونه‌ای تعیین شود که تصور آن برای عرف جهانی قابل قبول باشد. امروزه عرف جهانی برای تعیین حداقل سن بلوغ کیفری به عنوان اماره رشد، ۱۸ سالگی است. (جمع ماده ۴ حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه جوانان معروف به مقررات پکن (قطعه‌نامه ۴۰/۳۳ مصوب مجمع عمومی ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ و ماده ۱ پیمان‌نامه حقوق کودک).

پ. تعیین واکنش‌های اجتماعی دارای ماهیت قضازدایی، اصلاح و درمان، آموزشی، تربیتی و حرفه آموزی برای فاصله سنی بروز مسئولیت کیفری و بلوغ کیفری به عنوان مثال ۱۸-۹ سالگی بدون تبعیض جنسیتی (بند ب ۳، و ۴ ماده ۴۰ پیمان‌نامه و ماده ۱۸ مقررات پکن).

ت. ممنوعیت اعمال واکنش مجازات اعدام و یا حبس ابد بدون امکان آزادی برای افراد فاقد بلوغ کیفری کمتر از ۱۸ سال (ماده ۳۷ پیمان‌نامه).

۱. پیمان‌نامه حقوق کودک در تاریخ ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ م به تصویب سازمان ملل متحد رسیده است. جمهوری اسلامی ایران طی ماده واحده‌ای در اسفندماه ۱۳۷۲ با لحاظ شرط کلی پیمان‌نامه مزبور را به این شرح پذیرفته است: «ماده واحده کنوانسیون حقوق کودک مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می‌شود، مشروط به آن که مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد».

ث. ممنوعیت نگهداری در کانون‌های اصلاح و تربیت مگر در جرایم مهم برای آخرین راه چاره و کوتاه‌ترین مدت (ماده ۳۷ پیمان‌نامه).

پس از تبیین و ارائه مفهوم بلوغ کیفری در علوم جنایی و اسناد بین‌المللی حقوق کودک به بررسی این مفهوم و معیار آن در قانونگذاری حقوق کیفری ایران می‌پردازیم.

۱-۲. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰

ماده ۴۹ این قانون، عیناً مفاد ماده ۲۶ قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ را مطرح کرده است. حتی در ماده ۲۶ آمده بود که تنبیه بدنی در جرایم مهم باشد و به حد دیه نرسد، اما در ماده ۴۹، قید تنبیه بدنی در جرایم مهم و رعایت حد دیه نیز حذف شد. در ماده ۴۹ فرض شده است که امکان تربیت اطفال از طریق تنبیه بدنی وجود دارد؛ حال آن که از دیدگاه روان‌شناسی کودک این فرض مطرود است. ماده ۱۱۳ قانون مذکور در خصوص ارتکاب جرم لواط برای نابالغ یعنی دختر کمتر از ۹ سال قمری و پسر کمتر از ۱۵ سال قمری شلاق تا ۷۴ ضربه را مقرر کرده است که با نگاه سطحی به منطق حقوق کیفری ویژه اطفال و متون فقه امامیه کاملاً مطرود و غیر قابل قبول است.

در نظام قضایی ایران براساس مقررات مزبور و قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ حتی تا قبل از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مواردی دادگاه‌ها برای افراد دارای سنین ۱۵ تا ۱۸ سالگی اعم از دختر و پسر حکم مجازات قصاص نفس یا اعدام صادر کرده و می‌کنند و تلاش مسئولیت قوه قضاییه برای تشویق به گذشت اولیاء دم مقتولین مثمر واقع نشده و این افراد اعدام شدند. در این رابطه موجی از ناخشنودی در جامعه ایرانی و جهانی اعلام شده و می‌شود.

به طوری که ملاحظه می‌شود، قانون سال ۱۳۷۰ نسبت به قانون سال ۱۳۶۱، تغییر محسوسی در خصوص الزام به رعایت موازین مفهوم مسئولیت و بلوغ کیفری و حقوق ویژه اطفال و اسناد بین‌المللی حقوق کودک، نداشته است.

با این حال رویه قضایی با مساعدت دکترین حقوقدانان کیفری با کناره‌گیری از نص قانون مزبور، به موجب آراء صادره توسط برخی دادگاه‌های تخصصی اطفال، تلاش قابل توجهی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ برای ارتقای سطح حقوق ویژه اطفال مبذول داشته است. ثمره این تلاش‌ها به ویژه در خصوص تحقق مسئولیت و مفهوم بلوغ کیفری در تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در حد قابل توجهی ظاهر شده است که در قسمت بعدی به آن می‌پردازیم.

۱-۳. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

این قانون با جهشی قابل توجه در تطبیق به موازین حقوق کیفری ویژه اطفال و نوجوانان نسبت به قوانین کیفری سال‌های ۶۱ و ۷۱، مفهوم شروع مسئولیت کیفری و بلوغ کیفری را در جرایم مستوجب تعزیری که بخش اعظمی از جرم‌انگاری‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی را به خود اختصاص می‌دهد، پذیرفته است. پذیرش شروع مسئولیت کیفری و بلوغ کیفری در جرایم مستوجب قصاص و حدود موکول به تفسیری مناسب در راستای حمایت از منافع و مصالح عالیه کودکان و نوجوانان از قانون مزبور است که در این قسمت به آن پرداخته خواهد شد.

۱-۳-۱. پذیرش شروع مسئولیت کیفری و مفهوم بلوغ کیفری در جرایم مستوجب

تعزیر

هر چند هنوز قانون سال ۱۳۹۲ به شرح ماده ۱۴۷ خود، سن بلوغ در دختران و پسران را به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری اعلام کرده است و مفهوم مخالف آن حکایت از بلوغ کیفری دختران بالای نه سال قمری و پسران ۱۵ سال قمری کمتر از ۱۸ سال خورشیدی همچون قوانین کیفری ۷۱ و ۶۱ دارد، اما در مواد ۹۰-۸۸، مفهوم بلوغ کیفری را با معیار ۱۸ سال تمام خورشیدی به بالا در جرایم مستوجب تعزیری یعنی بخش اعظمی از جرایم، مورد پذیرش قرار داده است. مسئولیت کیفری پلکانی را در سنین ۱۸-۹ سالگی تمام خورشیدی، پذیرفته است. از مجموع مواد مزبور در جرایم تعزیری دختران و پسران کمتر از ۱۸ سال تمام خورشیدی چند نکته زیر استنباط می‌شود:

۱. حداقل سن شروع مسئولیت کیفری ۹ سال تمام خورشیدی است و کمتر از این سن مسئولیت کیفری برای پسران و دختران منتفی می‌باشد. به عبارت دیگر فرض غیر قابل رد قانونگذار این است که کمتر از سن مزبور، افراد قابلیت پاسخگویی به عملکرد خود در قبال نقض قوانین کیفری را ندارند.

۲. معیار بلوغ کیفری همچنان که در پیمان‌نامه حقوق کودک و قوانین کیفری بسیاری از کشورها مقرر است، ۱۸ سال تمام خورشیدی بدون تبعیض بین دختران و پسران مقرر شده است.

۳. از مواد ۹۰-۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ استنباط می‌شود که مقنن مسئولیت کیفری پلکانی و واکنش اجتماعی متفاوت با اشخاص دارای بلوغ کیفری بدون تبعیض بین پسران و دختران قائل شده است.

۴. از مواد مورد اشاره استنباط می‌شود که در راستای انطباق با موازین بین‌المللی حقوق کودک، مقنن برای افراد ۹-۱۵ سال تمام خورشیدی به جز در ارتکاب جرایم تعزیری درجه یک تا پنج برای نوجوانان دوازده تا پانزده سال، اقدامات تأمینی، تربیتی، آموزشی، درمانی، حرفه آموزی و مراقبتی و

برای نوجوانان ۱۸-۱۵ مجازات‌های نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، جزای نقدی و جایگزین‌های اجتماعی مجازات‌ها شامل اجرای خدمات عام‌المنفعه، اقامت در منزل در مدت معین و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته مقرر کرده است.

۱-۳-۲. تفسیر مطابق با منافع عالیه کودکان و نوجوانان برای پذیرش بلوغ کیفری

در قصاص و حدود

مقنن در شرح ماده ۹۱، اعمال اقدامات تأمینی - تربیتی، مجازات‌ها و جایگزین‌های اجتماعی مشروح فوق‌الذکر را در ارتکاب به جرایم مستوجب حدود و قصاص برای اشخاص بالغ (یعنی دختران و پسران نه سال و پانزده سال قمری) کمتر از هجده سال را در صورتی قابل اعمال دانسته است، که قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان در یکی از موارد زیر نسبت به ارتکاب آن جرایم توسط اطفال و نوجوانان شبهه داشته باشد:

۱. درک ماهیت جرم

۲. درک حرمت جرم

۳. رشد و کمال عقل

همان‌طور که در مفهوم بلوغ کیفری توضیح داده شد، دستاوردهای دانشمندان علوم جنایی و اسناد بین‌المللی حقوق کودک، تحقق مفهوم بلوغ کیفری یا مفاهیم مزبور را در فرد برای اعمال تبعات مسئولیت کیفری تام، امری ضروری می‌دانند. لازم به یادآوری است که درک ماهیت جرم و حرمت آن و بالاخره تحقق رشد و کمال عقل را از طریق یک پرسش سطحی که مثلاً نوجوان ۱۷ ساله مرتکب قتل می‌دانسته است که ارتکاب این عمل حرام است یا خیر، نمی‌توان احراز کرد. مهم احراز این نکته است که مرتکب نوجوان در لحظه ارتکاب قتل، خشم و احساسات آنی فاقد دیرپای بر روان او مسلط بوده و آثار عمل خود را پیش‌بینی نمی‌کرده است. در ارتکاب جرایم نوجوانان این نکات باید احراز شود.

معیاری که امروزه در نظام‌های حقوقی دنیا و حقوق بین‌المللی کودکان و نوجوانان برای تحقق مفهوم بلوغ کیفری پذیرفته شده است، اماره سن ۱۸ سالگی به عنوان اماره رشد و کمال عقل یا بلوغ کیفری است. این اماره همانند اماره فقد قابلیت پاسخگویی به نقض قوانین کیفری که در سن معینی مقرر شده است، غیر قابل تغییر است.

فرض غیر قابل تغییر این است که افراد کمتر از ۱۸ سال تمام خورشیدی، فاقد درک ماهیت جرم، حرمت آن و رشد و کمال عقل برای ارتکاب کلیه جرایم به ویژه جرایم مهمی مانند جرایم مستوجب قصاص و حد در حقوق ایران می‌باشند و یا حداقل در کمال عقل آنها شبه وجود دارد و با وجود این شبهه مستند به ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی ۹۲، امکان اعمال قصاص و یا حد نیست. در صورتی که رویه قضایی اماره مزبور با پذیرد و در آراء صادره به آن تمکین کند، مفهوم بلوغ کیفری در حقوق کیفری ویژه اطفال و نوجوانان بدون تبعیض در کلیه جرایم پذیرفته شده است.

هم اکنون لازم است که در صورت عدم تمکین رویه قضایی نسبت به تفسیر مزبور، این رویه اصل را به عدم کمال عقل یا درک ماهیت یا حرمت جرم قرار داده و اثبات خلاف آن را از سوی دادستان ضروری بداند.

به نظر می‌رسد که مقنن مسیر پذیرش تفسیر مزبور را برای قضات هموار کرده است. زیرا به موجب تبصره ماده ۹۱، به قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان اختیار کامل داده است که برای تشخیص بلوغ کیفری و یا کمال عقل از نظر پزشکی یا هر طریق دیگری که مقتضی بداند از جمله تشخیص شخص خود با مراجعه به متون حقوقی استفاده کند. بدیهی است که وقتی قاضی مزبور به متون حقوقی ناظر به دادرسی اطفال و نوجوانان مراجعه می‌کند، به روشنی خواهد دید که مرز بلوغ کیفری یا کمال عقل ۱۸ سالگی است و تا قبل از آن فرد مرتکب جرم فاقد بلوغ کیفری می‌باشد. و اعمال مجازات تعزیری، قصاص و حد همانند افراد دارای بلوغ کیفری، خلاف انصاف و عدالت کیفری است.

رویه قضایی با تفسیر صحیح از ماده‌ی ۹۱ در پذیرش اماره بلوغ کیفری و یا کمال عقل از سن ۱۸ سالگی تمام خورشیدی به بالا و پذیرش مسئولیت کیفری پلکانی و اعمال اقدامات تأمینی و مجازات و جایگزین‌های اجتماعی مواد ۹۰-۸۸ برای کلیه افراد ۱۸-۹ سالگی بدون تبعیض بین دختران و پسران، گامی مهم در ارتقای حقوق انسانی در حقوق ایران خواهد برداشت.

طلیحه پذیرش تفسیر مزبور رأی وحدت رویه شماره ۷۳۷ مورخ ۹۳/۹/۱۱ است. به موجب این رأی «محکومان به قصاص نفس که سن آنان در زمان ارتکاب جرم کمتر از هجده سال تمام بوده است، چنانچه مدعی شمول شرایط مقرر در ماده ۹۱ این قانون باشند، به لحاظ این که تبدیل و تغییر مجازات به ترتیب مذکور مالا تخفیف و تعیین کیفر مساعدتر به حال متهم به شمار می‌آید، می‌تواند براساس بند ۷ ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری درخواست اعاده دادرسی نمایند.

براساس گزارش آراء شعب دیوان کشور که منتهی به رأی وحدت رویه مزبور شده است، دو تفسیر متفاوت از ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۹۲ از شعب ۳۴ و ۳۵ دیوان شده است که رأی شعبه

۳۵ تفسیری کودک مدار و منطبق بر مصالح و منافع عالیه کودکان و نوجوانان می باشد. هیأت عمومی دیوان کشور رأی شعبه ۳۵ را با استدلال متقن خود پذیرفته است. در مفاد رأی شعبه ۳۵ به این نکته اشاره شده است که با توجه به این که ماده ۹۱ به قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان این اختیار را داده است که با فرض عدم کمال عقل افراد کمتر از ۱۸ سال تمام خورشیدی، مجازات قصاص را تبدیل به یکی از مجازات‌های تعزیری ماده ۸۹، کند و این تفسیر به نفع متهمان مزبور است، مستند به بند «ب» ماده ۱۰ همان قانون، ارفاق آمیز محسوب و عطف به ماسبق می شود.

در نتیجه امکان اعاده دادرسی از حکم صادره قطعی قصاص مستند به بند ۷ ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری وجود دارد. لازم به یادآوری است که با اجرایی شدن قانون دادرسی کیفری ۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴ از ۹۴/۴/۱، مستند به مقررات اعاده دادرسی ۴۸۳-۴۷۴ همان قانون و بند ب ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی ۹۲، نیازی به درخواست اعاده دادرسی در خصوص موضوع مزبور نیست و دادگاه صادرکننده حکم قطعی به درخواست تخفیف مجازات از سوی قاضی اجرای احکام و یا محکوم علیه می تواند مجازات قصاص را به تعزیر مقرر در ماده ۸۹ قانون تبدیل کند.

۲. چالش‌های مسئولیت کیفری اطفال در نظام حقوق کیفری ایران

۲-۱. تعارض اطلاق ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با مواد ۱۴۶ تا

۱۴۸ این قانون

تصمیم‌های قضایی پیش‌بینی شده در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی به صراحت همین ماده، ناظر به اطفال و نوجوانانی است که سن آنها در زمان ارتکاب، ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی است. از طرف دیگر افراد نابالغ که به تعبیر مقنن در ماده ۱۴۷ شامل دختران زیر ۹ سال و پسران زیر ۱۵ سال قمری است، مطابق ماده ۱۴۶ این قانون، مسئولیت کیفری نداشته و طبق ماده ۱۴۸^۱ در مورد آنها اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می شود.

همانگونه که ملاحظه می گردد اطلاق ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حاکی از این است که در مورد مرتکبان کمتر از ۹ سال شمسی حتی در صورت احراز حالت خطرناک در ایشان، هیچ اقدام خاصی پیش‌بینی نشده است. این موضوع از دو جهت قابل اشکال است؛ از یک

۱. ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند».

ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «در مورد افراد نابالغ، براساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می شود».

طرف دختران کمتر از ۹ سال شمسی و بیشتر از ۹ سال قمری طبق ماده ۱۴۷ بالغ محسوب و بر اساس مفهوم ماده ۱۴۶ دارای مسئولیت کیفری هستند. از طرف دیگر بر اساس ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی در مورد افراد نابالغ کمتر از ۱۵ سال قمری در پسران و کمتر از ۹ سال قمری در دختران، بر اساس مقررات این قانون اقدامات تامینی و تربیتی اعمال می‌شود. این در حالی است که در فصل دهم قانون مجازات اسلامی هیچگونه اقدام تامینی و تربیتی برای اینگونه اطفال پیش‌بینی نشده است. به نظر می‌رسد تنها راه جمع مواد ۱۴۸ و ۸۸ قانون مجازات اسلامی این باشد که بگوییم ماده ۱۴۸ صرفاً شامل پسران کمتر از سن بلوغ تا سن ۹ سال شمسی شده و نسبت به دختران غیربالغ و پسران نابالغ کمتر از ۹ سال شمسی شمولی ندارد (شمس ناتری و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۰۴).

۲-۲. وضعیت دختران بالغ کمتر از ۹ سال شمسی و بیشتر از ۹ سال قمری

معیاری که برای تدرج مسئولیت کیفری دختران نوجوان از نه تا دوازده سال شمسی در نظر گرفته شده بر اساس سال شمسی است با اینکه شروع مسئولیت در آن‌ها به موجب ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی، بر اساس سال قمری در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که برای دختران بالغ بعد از ۹ سال قمری و قبل از ۹ سال شمسی در صورت ارتکاب جرم تعزیری اقدامی اعم از مجازات و اقدام تامینی در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی نشده است و این خلاء قانونی به نظر می‌رسد بصورت ناخواسته ایجاد گردیده است.

توضیح اینکه هر سال قمری، تقریباً ۱۰ روز و ۲۱ ساعت از سال شمسی کوتاه‌تر است. بنابراین وقتی می‌گوییم سن بلوغ در دختران ۹ سال قمری است، بر مبنای سال شمسی، سن دختران در این زمان، تقریباً معادل هشت سال و نه ماه شمسی است.^۱

مقتن در ماده ۸۸ نسبت به دختران تازه بالغ در مقام تعدیل مسئولیت کیفری و اجتناب از اعمال مجازات نسبت به آن‌ها همانند بزرگسالان برآمده و در این راستا جرایم تعزیری آن‌ها را مشمول اقدامات تامینی قرار داده تا در واقع در این بازه سنی یکسان، تفاوتی میان دختران بالغ و پسران نابالغ وجود نداشته باشد و واکنش در قبال تمام جرایم تعزیری آن‌ها با اقدامات تامینی مواجه گردد. این اقدام مقتن پسندیده است، معذکک بی توجهی به جرایم تعزیری ارتكابی توسط دختران بالغ بین نه سال تمام قمری تا نه سال تمام شمسی، هیچگاه با منطق پذیرفته شده در مواد ۱۴۰ و ۱۴۷ قانون مجازات

۱. همچنین سن پسران بالغ (۱۵ سال از نظر فقه امامیه) بر مبنای سال خورشیدی، تقریباً ۱۴ سال و ۷ ماه می‌باشد.

اسلامی سازگار نیست. به عبارت دیگر چگونگی می‌توان ابتدا پذیرفت که از نظر قانونی، سن نه سال تمام قمری مرز شروع مسئولیت کیفری برای دختران باشد حال آن که از موادی دیگر چنین بر می‌آید که فرد دارای این سن که به موجب قانون بالغ محسوب می‌شود، در صورت ارتکاب هر جرم تعزیری حتی مشمول اقدامات تامینی نیز نگردد (موذن زادگان و دیگران؛ ۱۳۹۲: ۹).

در این خصوص نظریه مشورتی ۷/۹۲/۱۰۴۵ مورخ ۱۳۹۲/۶/۴ اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز قابل توجه است (شمس ناتری و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۰۴)؛ به موجب این نظریه مشورتی، نظر به اینکه طبق ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برای اطفال و نوجوانان از ۹ سال تا ۱۵ سال شمسی مجازات مقرر شده است، لذا با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها در جایی که مجازات تعیین نشده باشد نباید مجازاتی تعیین گردد. به ویژه اینکه مجازات مقرر در ماده ۸۸ قانون فوق الذکر بر اساس تاریخ شمسی است نه قمری. لذا برای دخترانی که سن آن‌ها در فاصله ۹ سال قمری تا ۹ سال شمسی است به نظر می‌رسد که آن‌ها را باید فاقد مسئولیت کیفری دانست.

گفتار سوم: عدم وجود ضمانت اجرا در ارتباط با شرایط مندرج در تبصره های

ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

یکی از اصول قانون نویسی بویژه در حوزه کیفری این است که مقنن برای باید و نباید هایی که مدنظر قرار می‌دهد، ضمانت اجرایی نیز تعریف کند. به عبارت دیگر در صورتی که ضمانت اجرایی به همراه این باید و نبایدها نباشد، الزامی از مفاد این دستورات برداشت نمی‌شود و درست مانند این است که مقنن صرفاً یک توصیه اخلاقی نموده و یا یک امر ارشادی را تبیین نموده است.

موذن زادگان، حسنعلی و دیگران؛ مسئولیت کیفری نقصان یافته اطفال و نوجوانان در جرایم تعزیری قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، کنفرانس ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۲ توضیح اینکه در موارد متعددی که مقنن دستورهای را برای افراد محکومیت یافته اعمال می‌کند همزمان ضمانت اجرای آن را نیز بیان می‌دارد. مثلاً در ماده ۵۰ مقرر داشته است که: «محکومی که مجازات او معلق شده است؛ چنانچه در مدت تعلیق بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکنند، دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند به درخواست دادستان یا قاضی اجرای احکام برای بار اول یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه یا قرار تعلیق را لغو نماید. تخلف برای بار دوم، موجب الغای قرار تعلیق و اجرای مجازات می‌شود». و یا در ماده ۴۴ قانون مجازات اسلامی، مقنن به قاضی دادگاه اختیار داده است که در صورتی که محکوم علیه در مدت

تعویق صدور حکم (تعویق مراقبتی)، از اجرای دستورهای دادگاه سر باز زند، میزان مدت تعویق وی را تا نصف افزوده و یا حکم به محکومیت وی صادر کند.

در آزادی مشروط نیز توجه به این اصل بدیهی از نظر مقنن دور نمانده است. بطوری که در ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است: «هرگاه محکوم در مدت آزادی مشروط بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکنند برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی افزوده می‌شود...» و در صورت تکرار عدم تبعیت از دستورهای دادگاه، مدت باقیمانده محکومیت به اجرا در می‌آید. همچنین به موجب ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی در موضوع مجازات‌های جایگزین حبس، چنانچه محکوم از رعایت دستورهای دادگاه تخلف کند، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رای دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می‌گردد.

اما مقنن در تبصره ذیل بند الف ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، مواردی چون اخذ تعهد را پیش‌بینی کرده است بی آنکه ضمانت اجرایی در صورت نقض تعهد از سوی ایشان مقرر نماید. حسب مفاد بند الف ماده ۸۸ و تبصره ذیل آن، در صورتی که ارتکاب جرایم تعزیری توسط اطفال و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال شمسی، دادگاه می‌تواند این اطفال را به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی آن‌ها سپرده و از آن‌ها تعهد به تادیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان مرتکب جرم، اخذ نماید و اگر دادگاه مصلحت بداند، می‌تواند از اشخاص مذکور تعهد به انجام امور مشخصی چون «معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان، یا فرستادن طفل یا نوجوان به یک موسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی، اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک، جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه و جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین» و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر اخذ نماید.

هر چند شاید بتوان گفت که متعهد انجام این امور، بر خلاف مواد فوق الاشعار در خصوص تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم، آزادی مشروط و مجازات‌های جایگزین حبس، در اینجا شخصی غیر از مرتکب جرم است و بنابراین پیش‌بینی ضمانت اجرا در مورد ایشان با اصل شخصی بودن، منافات دارد؛ اما می‌توان گفت دقیقاً به همان علت که مقنن در اخذ تعهد از والدین یا اولیاء یا سرپرستان قانونی به خاطر جرم ارتكابی توسط طفل یا نوجوان، تعرض به اصل شخصی بودن را مجاز دانسته است، مناسب بود که ضمانت اجرای تخلف از مفاد این تعهدات را پیش‌بینی کند؛ اگر چه در

صورتی هم که بار عواقب نقض تعهد بر دوش اطفال و نوجوانان قرار می‌گرفت، ایرادی از این حیث متوجه مقنن نمی‌توانست باشد.

نتیجه‌گیری

حقوق کیفری ویژه اطفال و نوجوانان مشتمل بر حقوق کیفری ماهوی و دادرسی افتراقی با هدف تأمین مصالح و منافع عالیّه آنها در فرآیند رسیدگی کیفری است.

بلوغ کیفری که متضمن سه عنصر بلوغ جنسی، عقلی و عاطفی است، با معیار حداقل سن ۱۸ سالگی که اماره رشد غیرقابل تغییر در واکنش اجتماعی علیه عملکرد رفتار ناقض قوانین کیفری افراد می‌باشد، در غالب نظام‌های دادرسی و اسناد بین‌المللی حقوق کودک، امری مفروغ عنه یا غیر قابل تردید است.

حقوق موضوعه ایران پس از استقرار جمهوری اسلامی، متعاقب تصویب قانون مجازات اسلامی ۹۲ در جرایم مستوجب تعزیر مطلقاً و در جرایم قصاص و حدود با تفسیری کودک مدار و منطبق بر موازین حقوق کیفری ویژه اطفال و نوجوانان و اسناد بین‌المللی مربوط به افراد مزبور مفهوم بلوغ کیفری و برابری آن را نسبت به دختران و پسران پذیرفته است. با پذیرش این تفسیر می‌توان قائل شد که در راستای انطباق حقوق موضوعه ایران با پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ میلادی، سه نکته ذیل مورد توجه و تأیید قرار گرفته است:

الف. حداقل سن شروع مسئولیت کیفری ۹ سال تمام خورشیدی است. کمتر از این سن قابلیت پاسخگویی به رفتار ناقض قوانین جزایی منتفی است.

ب. معیار بلوغ کیفری در کلیه جرایم تعزیری، قصاص و حدود، ۱۸ سال تمام خورشیدی است.
پ. مسئولیت کیفری پلکانی برای افراد ۹-۱۲ و ۱۵-۱۲ و ۱۸-۱۵ سالگی به نحو افتراقی با واکنش‌های متفاوت اجتماعی از قبیل، اقدامات اصلاحی، تربیتی، درمانی، آموزشی، حرفه آموزشی، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، جزای نقدی، خدمات عام المنفعه، حبس آخر هفته در کانون و الزام به اقامت در منزل در مدت معین برحسب شدت جرم مقرر شده است. طلیعه پذیرش تفسیر کودک محور از ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی را می‌توان در رأی وحدت رویه ۷۳۷ مورخ ۹۳/۹/۱۱ ملاحظه کرد.

تصمیم‌گیری در مورد تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری از جمله موضوعات بحث برانگیز در بسیاری از نظام‌های کیفری دنیاست و اختلاف نظرهای فراوانی در مورد آن وجود دارد. از جمله دلایل

صحت این ادعا آن است که در هیچ یک از اسناد بین‌المللی، حداقل سن مسئولیت کیفری تعیین نشده است. در واقع کشورهای مختلف به هیچ نقطه مشترکی در این مورد نرسیده‌اند و نتوانسته‌اند در اسناد بین‌المللی مختلفی که در مورد حقوق کودک به تصویب رسیده است، سنی را به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری مشخص کنند. برخی کشورها سن مسئولیت کیفری را تا ۷ سال پایین آورده‌اند و برخی دیگر نیز آن را تا ۱۸ سال بالا برده‌اند. حتی برخی کشورها هستند که عملاً فاقد حداقل سن مسئولیت کیفری هستند. این حد از اختلاف دیدگاه‌ها و عملکردها، علاوه بر اینکه نشان دهنده دشواری و چه بسا غیرممکن بودن نیل به یک اتفاق جهانی در این مورد است، گواه بر این است که تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری، عمیقاً ریشه در باورهای مذهبی، سنت‌های اجتماعی، عرف‌های اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی دارد که از کشوری به کشور دیگر بسیار متفاوت است.

این موضوع در کشور ما پیچیدگی‌های بیشتری می‌یابد. زیرا تقسیم بندی جرایم به دو دسته تعزیرات و غیرآنها نیز ملاحظات زیادی در این زمینه به وجود آورده که مقنن ناگزیر از توجه به آنها در تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری بوده است.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تغییرات مطلوبی را در خصوص حقوق کیفری افتراقی و تعدیلی برای اطفال و نوجوانان پیش‌بینی کرده است. از بین بردن تفاوت حداقل سن مسئولیت کیفری بین دختران و پسران در جرایم تعزیری و نیز توسعه اختیارات قضایی برای اسقاط مجازات‌های حد و قصاص در مورد مرتکبین زیر سن هجده سال، از جمله گام‌هایی هستند که این قانون در راستای رسیدن به یک نظام مطلوب مسئولیت کیفری اطفال برداشته است. اما به نظر می‌رسد مقنن در تنظیم سیاست کیفری مطلوب در این زمینه کماکان درگیر تردیدها و نوعی شتاب‌زدگی می‌باشد. از جمله سن بلوغ کیفری، یعنی سنی که فرد مسئولیت کیفری کامل پیدا کند، در حدود و قصاص کمتر از تعزیرات است. زیرا در تعزیرات تا پایان سن ۱۸ سالگی مسئولیت کیفری فرد کامل نشده و از نظر اتخاذ تدابیر قضایی دیگر نمی‌توان مجازات‌های مواد مختلف قوانین جزایی را حسب مورد در مورد آنها اجرا کرد و تنها باید به تصمیمات و مجازات‌های خاص تعدیلی مقرر در ماده ۸۸ تا ۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تمامی جرایم تعزیری ارتكابی توسط ایشان اکتفا کرد. اما در جرایم مستوجب حد و قصاص، دختر بعد از سن ۹ سال قمری و پسر بعد از سن ۱۵ سال قمری، مسئولیت کیفری کامل می‌یابد. این ناهماهنگی محل ایراد است. حتی می‌توان ادعا کرد که فرض مطلوب، عکس این است. یعنی مناسب‌تر آن است که سن بلوغ کیفری در حدود و قصاص، بالاتر از جرایم

تعزیری باشد. زیرا اینگونه جرایم در مقایسه با جرایم تعزیری، اصولاً مستلزم مجازات‌های شدیدتر و سختگیرانه‌تری هستند و تبعات شدیدتری برای فرد محکوم به دنبال دارند.

اما قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دقیقاً در جهت عکس این روند حرکت کرده است: در مجازات‌های تعزیری که هم شدت و حدت کمتری دارند و هم امکان تعدیل در آنها با استفاده از سازوکارهایی چون تعویق صدور حکم، تخفیف مجازات و تعلیق اجرای مجازات وجود دارد، سن بلوغ کیفری را تا ۱۸ سال تمام شمسی بالا برده است؛ اما در مجازات‌های حد و قصاصی که از حیث کارکردی، تقریباً خالی از جنبه اصلاحی هستند و از جنبه ماهوی نیز کوبنده‌تر و شدیدتر هستند، سن بلوغ کیفری را برابر با سن بلوغ جنسی، قرار داده داده و با گذر از سن بلوغ جنسی، مسئولیت کیفری کامل را بر فرد مترتب کرده است.

شاید نامطلوب بودن همین وضعیت باعث شده است که مقنن در پی یافتن تدابیری برای افزایش عملی سن بلوغ کیفری تا ۱۸ سال برآید. برای این منظور، ماده ۹۲ قانون مجازات اسلامی تدوین شده و تقریباً به قاضی آزادی عمل کامل داده است تا با استناد به احراز موارد سه‌گانه مذکور در آن، حد یا قصاص را از مرتکب دارای سن کمتر از ۱۸ سال رفع کند. اگر این مقرر مورد استقبال قضات قرار گیرد و آن‌ها را به سمت عدم صدور حکم به قصاص یا حد در مورد افراد زیر سن ۱۸ سال سوق دهد، در آن صورت می‌توان گفت که میان «سن قانونی» و «سن قضایی» بلوغ کیفری، نوعی دوگانگی بوجود آمده است زیرا از نظر قانونگذار، سن بلوغ کیفری در حدود و قصاص همان سن بلوغ جنسی است اما از نظر رویه قضایی، سن بلوغ کیفری در اینگونه جرایم نیز همچون تعزیرات، هجده سال تمام است.

از حیث همسویی با رهنمودهای بین‌المللی نیز می‌توان ادعا کرد که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در موقعیت ممتازی نسبت به قوانین پیشین قرار دارد؛ زیرا در بخش عمده‌ای از جرایم (تعزیرات) در راستای این رهنمودها عمل کرده است. قرار دادن سن بلوغ کیفری در جرایم تعزیری در سطح ۱۸ سال از یک سو و پیش‌بینی نظام تدریجی مسئولیت کیفری برای اطفال از سوی دیگر، توانسته است بخشی از انتقادات کمیته حقوق کودک سازمان ملل بر ضوابط حقوق کیفری اطفال در ایران را برطرف کند.

فهرست منابع

۱. آشوری، محمد، سیاست قضایی جدید در خصوص نوجوانان، گزارش کارگاه‌های آموزشی «دادرسی ویژه نوجوانان» در سال ۱۳۸۰، با همکاری شورای عالی توسعه قضایی قوه قضاییه، صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، چاپ محمد. ۱۳۸۰.
۲. شمس ناتری، محمد ابراهیم و دیگران، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد اول، حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، تابستان ۱۳۹۳.
۳. مهدوی، محمود؛ اطفال و نوجوانان در معرض خطر. مطالعه موردی بررسی عوامل خطر بزهکاری در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت تهران، رساله دکتری، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
۴. مهرا، نسرین؛ ترمیمی شدن عدالت کیفری صغار در انگلستان و ولز؛ در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در بزرگداشت مقام علمی استاد دکتر محمد آشوری)؛ چ ۱، سمت، ۱۳۸۳.
۵. مؤن زادگان، حسنعلی، کودکان و نوجوانان معارض با قانون و واکنش‌های اجتماعی، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در بزرگداشت مقام علمی استاد دکتر محمد آشوری)، چ ۱، سمت، ۱۳۸۳.
۶. مؤذن زادگان، حسنعلی و دیگران؛ مسئولیت کیفری نقصان یافته اطفال و نوجوانان در جرایم تعزیری قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، کنفرانس ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۲.
۷. میرمحمد صادقی، حسین؛ سیاست‌های قضایی در خصوص نوجوانان در جمهوری اسلامی ایران، اهداف، چالش‌ها، کارگاه آموزش قضات دادگاه اطفال، یونیسف - شورای عالی توسعه قضایی، ۸۰-۱۳۷۹.
۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، بزه‌دیدگی اطفال، ماهنامه‌ی قضاوت، شماره ۴۵، ۱۳۸۶.
۹. Capuzzi, David & Geoss, Coglass , R. Defining Youth at Risk in Capuzzi and Gross (eds); Youth at Risk American Conseling Association , ۲۰۰۰.
۱۰. Freiberg, kate et al; The Pervasive Impact of Poverty on Children; in : Pathways and crime Prevention, willan pub, ۲۰۰۷.
۱۱. Lamprecht, luke , (compiler); Gauteng Child Protection and Treatment Protection; risk assessment committee, ۲۰۰۰.

۱۲. Mcwhirters, J. Jeffries & Benedict T. Ellen & Hawley , J. Robert;
Youth at Risk; Thomson brooks/ cole. ۲۰۰۷.